اطلاعات، متن کامل و جزء به جزء مصاحبه معروف اوریانا فالاچی با امام را منتشر می کند

ما موزیکی می‌خواهیم که جوان‌های ما را به حرکت در اورد و آنان را وادارد که به مملکت بیندیشند.

بختیار اگر می‌خواهد برگردد، بیاید، بادولت جدیدش بیاید، حتی دست در دست شاه هم بیاید...

اگر شاه در خارج کشته شود تمام پولهای غارت شده او بهدر میرود

کمونیست های ساخت آمریکا و چپ های قلابی برای برهم زدن آرامش دست‌دردست‌ضد انقلاب دارند

کشیش ها مشروب می‌خورند، آواز می‌خوانند حتی پاپ. آیا پاپ‌هم گناهکاراست؟

پوشش اسلامی برای زنان جوان است شما چرا زیر این پوشش رفته‌اید؟

من نه دیکتاتورهستم نه فاشیست!

اوریانا فالاچی، گزارشگر و نویسنده سرشناس و صاحب‌نام ایتالیائی که مصاحبه هایش با شخصیت های برجسته بین‌المللی برایش شهرت و اعتباری جهانی آورده‌است، با امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی ایران به گفتگو نشسته است. اگرچه، نام «فالاچی» برای خواندن مصاحبه هایش کفایت می‌کند، ولی «اطلاعات» که در انتخاب و ترجمه مطالب وسواس و دقت خاص خود دارد، برای اینکه هیچ نکته ناگفته‌ای از این مصاحبه مهم ازقلم نیفتد، و اصالت آن همچنانکه انجام شد، حفظ شود، با کوشش فراوان موفق شد با آقای دکتر نصیرالسادات سلامی، که مترجم «فالاچی» در این مصاحبه بود، تماس بگیرد و زحمت ترجمه این مصاحبه را از او بخواهد تا چنانچه در پیوند مطالب و ربط موضوع‌ها ابهام یا تحریفی مشاهده کرد، بازگو کند، که ایشان هم انجام این مهم را قبول کرد و با توضیحی که جداگانه میخوانید، ترجمه را در اختیار اطلاعات گذاشته است که با تشکر فراوان از او عینا به نظر خوانندگان عزیز میرسد.

در مورد مصاحبه ها و گزارش های «فالاچی» گفتنی است اصولا وی در مقدمه کار و لابلای سئوال و جوابها، برداشت ها و آگاهی هایش را از مسائلی که در مجموع انجام مصاحبه را باعث گردیده است منعکس میکند که این نکته، در کتاب «مصاحبه با تاریخ» ـ که شرح مصاحبه های او با مردان و زنان بزرگ عصر حاضر است ـ به خوبی مشهود است.

در این مصاحبه نیز اوریانا فالاچی چنین روشی را دنبال کرده ولی بنظرم کوشش کرده، هرگز بی‌طرفانه ـ و یا شاید هم قلبا و وجدانا نخواسته ـ چهره‌ای ناخوشایند و دروغین از رهبر انقلاب ما ترسیم کند، بلکه در غایت بطور ضمنی به ستایش از ایشان‌هم پرداخته است. در همین تفسیرگونه، فالاچی برداشت های نادرستی هم از اوضاع جاری ایران کرده که بگمان ما بیش از آنکه ناشی از عمد باشد، حاصل عدم دسترسی او به محافل آگاه و بی‌غرض بوده است. اما بهر حال، از چاپ این مقدمه تفسیر مانند، بخاطر آنکه در ازای جائی که در روزنامه میگیرد چیزی به خواننده ایرانی نمی دهد، صرفنظر میکنیم.

متن مصاحبه هم همچنانکه آقای سلامی یادآوری کردند، همه آن چیزهائی را که امام گفته است دربرنمی‌گیرد و این امر بیشتر از آرزوی خانم فالاچی مایه میگیرد تا سوء نیت او، چرا که او عادت دارد مجموعه یک مصاحبه را چند پاره کند و به چند روزنامه بفروشد.

یکی امید بزرگ ما از انتشار مصاحبه این است که مردان و زنان مسئول ما از خواندن آن نکته هائی بیاموزند و دریابند در غرب، حتی روشنفکران چون اوریانافالاچی برچه مسائلی انگشت میگذارند و چه نوع بهره برداری میکنند. مثلا در قسمت مربوط به زنان و حجاب، خانم فالاچی چنان سئوال میکند که گوئی زنان ایران به زور وجبرچادر برسر میکنند، حال‌آنکه مامیدانیم چنین‌نیست وتاکنون اجباری در این قبیل موارد اعمال نشده است.

دکتر نصیرالسادات سلامی

«لازم دانستم بهمراه چاپ ترجمه مصاحبه خانم اوریانا فالاچی باامام خمینی نکاتی را بااین شرح تذکر دهم.

مصاحبه باامام در دوروز برگزار شد. در روز اول باتفاق آقای ابوالحسن بنی‌صدر ترجمه مصاحبه را انجام دادیم و در روز بعد بتنهائی این افتخار را داشتم، وبهمین دلیل وظیفه دارم باطلاع برسانم که اولا متن مصاحبه خانم اوریانا فالاچی که در روزنامه معتبر ایتالیائی «کوریرِدلاسرا» چاپ شده است منعکس کننده تمام اظهارات امام نیست.

ثانیا در قسمتهائی از مصاحبه که خانم اوریانا فالاچی یامطالبی را حذف کرده و یا تلفیق کرده که بدینسان طبعا مصاحبه نمی‌تواند خالی از تحریف باشد. اما بهرحال، مصاحبه‌ای است که خواندن آن برای خواننده ایرانی ضروری میرسد و به او آگاهیهای جدید میدهد.

بنابراین این ترجمه دقیقا همانست که روزنامه «کوریرِدلاسرا» مورخ چهارشنبه ۲۶ سپتامبر ۱۹۷۹ چاپ کرده‌است.»

سئوال: امام روح‌الله خمینی، تمام کشور در دست شماست و هر تصمیم شما فرمان است. تعداد زیادی هستند که میگویند در ایران آزادی نیست. انقلاب آزادی را بهمراه نیاورده است.

جواب: ایران در دست کسی نیست. ایران در دست مردم ایران است. بخاطر اینکه مردم بودند که کشور را بدست کسی که خادم است و خوبی‌شان را میخواهد داده‌اند. شما دیدید که بعد از مرگ آیت‌الله طالقانی مردم میلیونها نفر بدون تهدید سرنیزه به خیابانها ریختند. این بدین معنی است که آزادی هست. بدین معنی است که مردم فرمان خدا را پیروی می‌کنند و این آزادی است.

سئوال: اجازه دهید کمی پافشاری کنم برای پیشرفت [illegible]. منظورم اینست که امروز در ایران خیلی‌ها هستند که شما را دیکتاتور می‌نامند، بلکه دیکتاتور جدید و صاحب اختیار جدید. چه‌جوابی دارید؟ آیا این‌موضوع‌شما را ناراحت می‌کند و یااینکه بی‌تفاوت هستید؟

جواب: از یکطرف ناراحت میشوم و متاسفم برای اینکه نادرست و غیرانسانی استکه مرا دیکتاتور بنامند. از طرف دیگر برایم مهم‌نیست برای‌اینکه میدانم [illegible] رفتار انسان هستند و ازطرف دشمنان ما می‌آیند. باراهی‌که انتخاب کردیم، راهی که‌مخالف ابرقدرتها است، طبیعی استکه نوکران اجنبی مرا با نیش زهرآگین نیش بزنند و هرگونه اتهام و دروغ را بمن [illegible]. توقعی غیر از این نیست. کشورهائی که عادت به غارت و خوردن ما را دارند ساکت وراحت بنشینند و با مزدوران شاه چیزهای زیادی میگویند. مثلا، اینکه خمینی دستور بریدن پستان زنان را داده. شما که در اینجا هستید بگوئید آیا شما دیده‌اید که خمینی چنین جنایت وحشتناکی که بریدن سینه زنان باشد مرتکب گشته باشد؟

سئوال: نه. هیچ‌چنین چیزی نیست امام. ولی شما مردم را میترسانید و همچنین جمعیتی که باشما هستند، ادم را میترسانند. ولی شما چه احساسی دارید زمانیکه این فریادها را شب و روز میشنوید و می‌بینید که آنها این جا ساعتها در انتظار سر پا ایستاده‌اند. در حالیکه در زیر دست و پا له و لورده میشوند، و رنج می‌کشند که حتی برای یک لحظه شما را ببینند و برایتان احساسات کنند؟

جواب: مرا بسیار خوشحال می‌کند. خوشحال میشوم وقتی که آنها را می‌بینم و فریادآنها را میشنوم برای اینکه همان‌هائی هستند که قیام کردند برای اینکه دشمنان داخلی و خارجی را بیرون بریزند. نظر اینکه ابراز احساسات آنها ادامه فریادی است که به آن یک غاصب را بیرون انداختند. واین خوب است که جوشش ادامه یابد. دشمنان هنوز از بین نرفته‌اند و تامملکتمان آرام نگیرد باید آماده بمانند، آماده [illegible] باشند و بعلاوه این عشق آنان است عشقی الهام گرفته از معرفت آنها. نمیتوان خوشحال نبود.

سئوال: عشق است یا فانتیسم است امام؟ بنظرم میرسد که فانتیسم است و فانتیسمی خطرناکتر از فاشیسم. در حقیقت عده زیادی هستند که تهدید فاشیسم را در ایران می‌بینند و یا حتی عقیده دارند که در ایران فاشیسم حاکم است.

جواب: نه، فاشیسم ربطی ندارد، فانتیسم ربطی ندارد. من تکرار می‌کنم که ملت فریاد می‌کند بخاطر اینکه بمن محبت دارند و مرا دوست دارند بخاطر اینکه ملت حس می‌کنند من خوبی آنها را می‌خواهم و برای خوبی آنها کار می‌کنم، چون فرامین‌اسلام را عمل می‌کنم، اسلام عدالت است در اسلام دیکتاتوری بزرگترین گناه است. فاشیسم و اسلام دو تضاد غیر قابل سازش‌اند. فاشیسم در غرب در بین شما تحقق می‌یابد در بین مردمی‌با فرهنگ اسلامی [illegible].

سئوال: شاید یکبار دیگر را در مورد مفهوم کلمه فاشیسم نفهمیده‌ایم امام. من ازفاشیسم به عنوان یک پدیده توده‌ای صحبت می کنم همانطوری که مادر ایتالیا داشتیم، وقتی که مردم برای موسولینی ابراز احساسات میکردند، همانطوری که برای شما می‌کنند. و از او اطاعت میکردند همانطوری که از شما اطاعت می‌کنند.

جواب: نه، بخاطر اینکه توده ما یک توده مسلمان است و ازطرف روحانیون تربیت‌شده یعنی از طرف مردانی‌که‌معنویت را تبلیغ می‌کنند. امکان‌فاشیسم در اینجا زمانی است که شاه برگردد. آنهم چیزی استبعید. یا اینکه اگر کمونیسم بیاید، آری آن چیزی کهشما می‌گوئید امکان تحقق دارد. فقط اگر کمونیسم بیاید. این فریادها برای من معنی عشق بهآزادی و دموکراسی است.

سئوال: امام، بیش از آزادی و دموکراسی صحبت کنیم، اینطور شروع کنیم. در یکی از نطق های شما [illegible] که دولت جدید اسلامی آزادی‌های عقیده و بیان را برای همه از جمله کمونیست ها و اقلیت ها تضمین میکند. ولی این قول عملی نشده و اکنون شما کمونیست‌ها را فرزندان‌شیطان و رهبران [illegible] که‌اکنون کشورش [illegible] کرده‌اند، مفسدین فی‌الارض می‌نامید.

جواب: شما اول صحبت چیزی میگذارید وبعد توقع دارید که من اظهارات شما را تشریح وتائید کنم، حتی‌توقع دارید به توطئه گرانی که‌می خواهند مملکتمان را به هرج‌ومرج وفساد بکشانند آزادی عمل بدهم، درست مثل اینکه‌آزادی عقیده و بیان، آزادی‌توطئه و فساد باشد.

بنابراین جواب‌می‌دهم: پیش از پنج ماه تحمل کردم آنهائی را که مثل ما فکر نمی کردند تحمل‌کردیم، و آنها آزادبودند مطلقا آزاد بودند که هر کاری که میخواهند انجام دهند و از آزادی هائی‌که به آنها داده‌ایم بهره‌مند شوند. حتی بوسیله آقای بنی‌صدر که در اینجا هستند کمونیست ها را دعوت به بحث کردیم، ولی برعوض آنها خرمن ها را آتش زدند، صندوق های آراء را آتش [illegible] مقابل پیشنهاد ما [illegible] نشان دادند، در حقیقت آنها بودند که مسئله کردها را پیش کشیدند. اینطور فهمیدیم که آنها از صبر و بردباری ما سوء استفاده می‌کنند برای خرابکاری و دیدیم که آزادی را نمی‌خواهند اما اجازه خرابکاری و توطئه را می‌خواهند و ما تصمیم گرفتیم که از آن ممانعت کنیم و زمانی که کشف کردیم که از رژیم گذشته و از نیرو هائی خارجی الهام میگیرند و هدف آنها تخریب ما است با توطئه های متفاوت و طرق مختلف آنها را ساکت کردیم تا از مصائب دیگری پیش گیری کنیم.

سئوال: روزنامه های مخالف [illegible] برای مثال در آن [illegible] مدرن بودن اینست که‌افرادی آگاهی ساخته شوند که حق انتخاب و انتقاد کردن را داشته باشند. ولی روزنامه آیندگان که یک روزنامه لیبرال میباشد بسته شد وتمام روزنامه های چپ هم.

جواب: روزنامه آیندگان جزء همان توطئه گرانی بود که صحبتش‌شد. گویابا صهیونیست ها رابطه داشت، از آنها الهام میگرفت که در جهت ضربه‌زدن به ملت و مملکت. بهمین ترتیب سایر روزنامه‌ای‌که دادستانی انقلاب تشخیص داده که خرابکارند و آنها را بسته روزنامه هائی که با موضع گیری و مخالفت دروغین، هدفشان برگرداندن رژیم سابق وحمایت اجنبی‌بود. آنهارا ساکت کردیم بخاطر اینکه [illegible] کسانی هستند و چه اهدافی دارند و این هم آزادی نیست [illegible] زندانی شده و شکنجه شده و کشته شده [illegible] ها چپی ها به حساب نمی آیند؟

جواب: هیچ سهمی نداشته‌اند در هیچ جبهه‌ای در خدمت انقلاب نبودند. بله چند تائی مبارزه کردند البته برای اهداف خودشان وبس. و در پیروزی انقلاب وزنه‌ای نبودند، کمکی به‌این انقلاب نکردند. هیچ رابطه‌ای با جنبش ما نداشتند و هیچ تاثیری برانقلاب نداشتند، نه، چپی ها هیچ وقت با ما همکاری نکرده‌اند، [illegible] وبس. در زمان رژیم شاه ضد ما بودند، همانطوری که هم اکنون هستند و حتی بحدی بود که خصومت آنها نسبت بما بیشتر از خصومت شاه به ما بود، عمیقتر بود. نهضت ما یک جنبش اسلامی بود وچپی ها همیشه ضد آن بوده‌اند و اتفاقی نیست که توطئه کنونی از طرف آنانست و این نقطه نظر من است که این مربوط به یک چپ واقعی نیست بلکه به یک چپ مصنوعی کمخواست آمریکا است.

سئوال: آیا [illegible] آمریکا است امام؟

جواب: بله زاده شده و پشتیبانی شده آمریکائی ها است که بما اتهام بزنند، و همه جا این کار را می‌کنند.

سئوال: نه امام، در هر صورت چطوری میتوان آنهائی را که ضد شاه مبارزه کردند و از طرف اوتحت تعقیب‌ودستگیر و شکنجه شده‌اند هواداران شاه خواند؟ چطور می‌توان قضاوت و حق وجود به چپی که این همه مبارزه و رنج کشیده نداد؟

جواب: هیچکدام از آنها مبارزه و رنج‌نکشیدند، حتی آنها بخاطر اهداف خودشان‌از رنج خلق ما بهره برداری می کردند. شما خوب اطلاع ندارید اکثر چپ ها که منظور شما است در زمان رژیم شاهنشاهی در خارج از کشور بودند وبازگشتند فقط بعد از اینکه مردم شاه را بیرون انداختند. درست است یک گروه از اینها در اینجا بودند که در مخفیگاهها و در خانه هایشان بودند فقط زمانی خارج شدند که ازخونی که ملت داده استفاده کنند ولی تاکنون اتفاقی نیفتاده که آزادیهای آنها را محدود کردم [illegible].

سئوال: معذرت میخواهم امام، میخواهم مطمئن شوم شما میگوئید که چپی ها هیچ سهمی را در بیرون کردن شاه نداشتند، حتی آن چپی که [illegible] خرابکاری کنند و ما رامنهدم سازند.

سئوال: بنابراین وقتی که شما از مردم صحبت می‌کنید منظور شما به مردمی است که انحصارا به نهضت اسلامی وابستگی دارند، ولی بنظر حضرتعالی این‌مردمی‌که هزاران کشته داده‌اند و دهها هزار کشته داده‌اند برای آزادی‌بود یا برای اسلام؟

جواب: برای اسلام بود. مردم برای اسلام مبارزه کردند چون اسلام همه چیز است. اسلام حتی آن چیزی که در دنیای شما به آن آزادی و دموکراسی میگویند هم هست. بله اسلام شامل همه‌چیز است، اسلام فراگیر همه چیز است اسلام همه چیز است.

سئوال: پس باید سئوال‌کنم که منظورشما ازآزادی‌چیست؟

جواب: آزادی، تعریف این کلمه ساده نیست میتوانیم بگوئیم که آزادی بدین معنی است که بتوان عقیده وافکار خود را انتخاب کرد و هرگونه که انسان که خواست فکر کند بدون اینکه اجباری در کار باشد، بدون‌اینکه اجباری‌داشته باشد که عقیده‌ای دیگر غیر از عقیده خود عقیده داشته باشد. در انتخاب محل سکونت و انتخاب شغل و پیشه آزاد و مختار باشند.

سئوال: میفهمم ... پس فکر کردن و نه بیان کردن و عمل کردن به آنچه انسان فکر می‌کند. منظورتان از دموکراسی چیست؟ این سئوال را با کنجکاوی بخصوصی می‌کنم بخاطر اینکه در رفراندم شما عنوان جمهوری دموکراتیک اسلامی را منع کردید، کلمه دموکراتیک را حذف کردید و گفتید، نه یک کلمه کم و نه یک کلمه زیاده. نتیجه این بود که توده، که به شما اعتقاد دارد کلمه دموکراسی را مثل اینکه کلمه نحس باشد تلقی می‌کند. چه چیزی است دراین کلمه که خوب نیست. و برای ما غربیها این همه قشنگ است.

جواب: اولا کلمه اسلام احتیاج به صفتی مثل صفت دموکراتیک را ندارد بخاطر اینکه اسلام همه چیز است. اسلام همه معنائی را در بر دارد. برای ما تاسف‌آوراست کلمه دیگری را در کنار کلمه اسلام بگذاریم، چون که‌اسلام کامل است.

اگر اسلام را میخواهیم چه لزومی دارد که مشخص کنیم که دموکراسی را میخواهیم. درست مثل این‌میماند که بگوئیم که اسلام را می‌خواهیم و بایستی به خداوند اعتقاد داشت. ثانیا این دموکراسی‌که برای شما اینقدر عزیز است و برای شما اینقدر بارارزش است یک معنی و تعریف دقیقی ندارد. دموکراسی ارسطو یک چیز است، و دموکراسی شوروی‌ها یک چیز دیگر و دموکراسی سرمایه‌داران یک چیز دیگر. پس نمی‌توانیم بخود اجازه دهیم که یک مفهوم چند پهلو را وارد قانون اساسی خود کنیم. حال با مثال تاریخی مفهوم دموکراسی را که من میفهمم برایتان میگویم:

زمانیکه علی جانشین‌پیامبر و رهبر دولت اسلامی شد، و حکومت او از عربستان تا مصر و قسمت اعظم آسیا و حتی اروپا گسترش یافته‌بود و براین کنفدراسیون حکومت میراند، برای او اتفاقی افتاد که بایک یهودی اختلاف پیدا کند و یهودی از او پیش قاضی شکایت کرد. علی از طرف قاضی احضار شد وقتی که قاضی دید که علی وارد می‌شود بحالت احترام از جا برخاست. ولی علی با عصبانیت بقاضی گفت چرا وقتی که من وارد می‌شوم احترام‌میکنی و وقتی آن یهودی آمد احترام نکردی؟ قاضی باید باطرفین‌مخاصمه یک شیوه رفتار کند و بعد علی حکم محکومیت خویش‌را قبول می‌کند. من از شما که سفرها کرده‌اید و هر نوع رژیمی و همچنین تاریخ را می‌شناسید، می‌پرسم مثال بهتری از این برای بیان دموکراسی سراغ دارید؟

سئوال: دموکراسی‌بمعنی خیلی بیش از این دارد. خیلی از ایرانیانی که مثل ماخارجی ها نمی‌فهمند و یادرک نمی‌کنند، میخواهند بدانند جمهوری اسلامی شما بکدام سو میرود.

جواب: اگر شما خارجیها نمی فهمید این موضوع بشما ربطی ندارد، انتخاب ما هیچ ربطی به شما ندارد [illegible] از ایرانیها این موضوع را نمی‌فهمند این بدین معنی استکه اسلام را درک نکرده‌اند.

سئوال: ولی امام، همان بعضی از ایرانیان، امروز استبدادی را که از طرف روحانیت اعمال می‌شود حس می‌کنند. در تدوین قانون اساسی جدید در مجلس خبرگان در اصل پنجم قانونی را گذرانیده‌اند که بر اساس آن رئیس کشور باید بالاترین مرجع مذهبی باشد، یعنی خود شما. و تصمیمات نهائی بدست کسانی استکه قرآن را خوب بدانند، یعنی روحانیون. این بدین‌معنی نیست که طبق‌قانون اساسی سیاست در دست روحانیون باقی خواهد ماند؟

جواب: این قانون اساسی که می‌بایست توسط ملت تصویب شود ابدا با دموکراسی تناقض ندارد، برای اینکه ملت روحانیت‌را دوست دارد، به‌روحانیون اعتماد دارد و میخواهد که رهبریش بدست روحانیون باشد، پس درست استکه مرجع نظارت داشته باشد بر اعمال نخست وزیر و یا ریاست جمهوری برای‌اینکه جلوگیری کند از اشتباهات و یا اینکه برخلاف قانون که قرآن است. درهرحال بالاترین مرجع مذهبی و یا یک گروه از نماینده روحانیون مثلا پنج نفر فقیه که قادر باشند عدالت اسلامی را پیاده کنند.

سئوال: بهتر حالا از عدالتی که توسط روحانیون دارد پیاده می‌شود صحبت کنیم. از پانصد نفری که بعد ازپیروزی انقلاب در ایران اعدام‌شده‌اند صحبت کنیم، شما تایید می‌کنید طرز کار این دادگاهها راکه نه وکیل مدافع در آنهست و نه میشود تقاضای فرجام کرد؟

جواب: [illegible] غربیها نادیده میگیرید که چه‌کسانی بودند اینهائی که اعدام شده‌اند و یا عمدا آنها را نادیده میگیرند. اینهاکسانی بودند که در خیابان ها و میدانها در کشتار شرکت کرده بودند و یا افرادی بود که دستور قتل‌عام داده بودند و یا اشخاصی بودند که خانه‌ها را به آتش کشیده بودند، شکنجه داده‌بودند، پاها و دستهارا دربازجوئی اره کرده بودند. یا کسانی که زنده زنده دست و پای جوانهای ما را ارّه میکردند و یا اینکه بر روی تاوه سرخ میکردند. با اینها چه‌کاری می‌توانستیم بکنیم؟ آنهارا می‌بخشیدیم؟ میگذاشتیم بروند؟ اجازه دفاع کردن از خود وجواب به‌اتهامات را ما به آنها دادیم، و می توانستند هر چیزی را که بخواهند بگویند، ولی‌وقتی گناه آنها ثابت شد چه نیازی بود و اصلا چه نیازی هست به اینکه فرجام بخواهند؟ اگر میخواهید برعکسش را بنویسید، قلم در دست شما است. و در هرحال ملت [illegible] مطرح نیست [illegible] و اضافه می‌کنم که اگر ما این اعدامها را نمیکردیم، انتقام مردمی ابعاد وسیعی بخود میگرفت و قابل کنترل هم نبود. و حتی تمام کارگزاران رژیم گذشته کشته میشدند، پس بدین ترتیب پانصد نفر کشته [illegible] بلکه هزاران نفر کشته میشدند.

سئوال: موافقم، ولی منظورم [illegible] جلادان ساواک نبود، منظورم بیشتر به اعدام [illegible]

بقیه در صفحه ۹

اوریانا فالاچی در مصاحبه معروفش باامام خمینی رهبر انقلاب اسلامی ایران و دکتر نصیرالسادات سلامی (نفرسمت چپ) و ابوالحسن بنی‌صدر عضوشورای انقلاب و مدیر روزنامه انقلاب اسلامی در عکس دیده می شوند. فالاچی با «چادر» به حضور امام رسیده است.

در حاشیه مصاحبه فالاچی با امام

چگونه باچادر به‌حضور امام رسیدم؟

فرهنگ عقب افتاده، وضع مادی بسیار بد و هفتاد درصد بیسوادی: این شرایطی است که بدست شاهی پول پرست و دیوانه که خود را وارث کورش دانسته و مایه ها خرج جشنهای ۲۵۰۰ ساله در تخت جمشید کرد [illegible] و قرآن و چادر ممنوع بود بجای گذارده شد. این شخص هرگز روشنفکران و سیاستمدارانی که با [illegible] عقیده بودند، احترامی نمیگذاشت. هرگز بدنبال تعالیم نبود و شاید هرگز نفهمید که این افراد که بتوسط ساواک بطور وحشیانه‌ای کشته میشدند، برای دنیای بهتری مبارزه می‌کردند. با ملاها و آیت‌الله ها، البته آنهائیکه از نادانی مردم سوءاستفاده میکردند و از مسجد نیز برای گمراهی آنان استفاده میکردند، روابطی حسنه داشت.

خلاصه [illegible] انقلاب برضد رژیم شاهنشاهی در مرحله پیروزی نهائی بخش مترقی‌نقشی نداشتند. بلکه روحانیون بودند که اسلام را مثل بهشت روی زمین تجویز میکردند. و رهبری آنها با شخصیتی بزرگ که نام او بر سرتمام زبانها انداخته است. او با سرسختی تمام، و بدون خستگی دوران طولانی پانزده سال تبعید خود را از ترکیه و عراق تا فرانسه پشت سر گذاشت و بدین ترتیب توانست از یک محکومیت بزرگ جلوگیری کند. ۹۸ درصد وکلای انتخاب شده از روحانیون هستند.

بعد از ظهری است که قم از آفتاب پوشیده است. خیابان و کوچه های اطراف منزل امام در این شهرمقدس، جائی که امام برای زندگی خود انتخاب کرده از زائرینی که از اطراف و اکناف کشور برای دیدن ایشان آمده‌بودند پرشده بود. فقط برای اینکه یک لحظه او را از دور ببینند و تبرک شوند روزها با پای پیاده یا با کاروانهای اتوبوس و اتومبیل سفر کرده‌اند. نه یک اطاق و نه یک تختخواب برای استراحت پیدا نخواهد شد. در هتلها و مسافرخانه‌ها هیچ جائی نیست. سود جویانی هستند که در رابطه با شرایط موجود به کرایه دادن تشک می‌پردازند، بدون اینکه خستگی، ناراحتی، گشنگی و حتی بیهوش شدن افراد در آنها تاثیری داشته باشد.

تراکم زائرین بقدری زیاد میشود که ناگهان صدای درود بر خمینی، مانند بمب منفجر میشود. امام یعنی مفسر، رهبر و پیشوا. فقط بتوسط پاسداران میتوان از لابلای این موج جمعیت راهی بطرف کوچه ایشان بازکرد. و در این کوچه قبل از رسیدن به خانه ایشان سه جایگاه بازرسی است. و بعد از آخرین جایگاه نگهبانان [illegible] پشت بام خانه، با نگاههای دقیق و مسلسلهای [illegible] جای گرفته‌اند. در منزل توسط یک کلون بسته شده، با یک حالت محتاطانه در پشت سرما بسته میشود. و سپس در اتاقی که سکوت همه جای آنرا گرفته بین مردانیکه جای مینوشند به انتظار می‌نشینم. مرا می‌شناختند، همان خارجی هستم که در سال ۱۹۷۳ با شاه مصاحبه کرده‌ام. و بدون ترس دلایل شرایط خفقان آن زمان را میخواستم، تاحدی که او جواب داد میکرد شما در لیست سیاه قرار دارید. در دوران انقلاب، چیزهائی که برضد او نوشته بودم مخفیانه بصورت کتابی برای تحریک چاپ شده بود و برای همین خمینی مرا میپذیرد. [illegible] این موضوع برهم نشستن مرا بروی زمین با چادر و همراه مردان دیگر بصورت گناهی احساس میکرد [illegible] مرا و انتظار میکشید. با اینکه لباس من کاملا متعارف است، بیشتر شبیه به یک کیسه خواب هستم. روی شلوار و بلوز سیاهم یک مانتوی سیاه پوشیده و گردن و موهایم را توسط یک روسری سیاهی زیر چانه‌ام گره زده بودم، کاملا پوشانده بودم و روی همه اینها چادری نیز سرکرده بودم. (البته چادر مشکی)

نصیرالسادات سلامی دوست ایرانی که مرا و عکاس را راهنمائی کرده و مترجم ما نیز بود، با ابوالحسن بنی‌صدر از شورای انقلاب، برای اطمینان بیشتر اضافه کرد که مانتوی من کاملا ساده نیست و بینی‌ام کمی از زیر چادر بیرون است. لاک ناخن و روژلبم را هم پاک کردم. فقط اجازه کمی مداد ابرو [illegible]

این مسئله هم باعث ناراحتی امام شود [illegible] خیلی مشوش است و غرق کرده. بنی‌صدر و سلامی هر دو چند سال در اروپا درس خوانده و زندگی کرده‌اند، اولی در فرانسه و دومی در پاریس، دو انسانی هستند نزدیک بمن و او را خوب میشناسند. ولی با اینهمه نگرانند. وقتی ما را بدون کفش به اتاقی میبرند که در آن بایستی مصاحبه انجام شود (چهار دیوار، یک موکت برای نشستن روی زمین و دیگر هیچ)

پیر مردی است. از نزدیک هیچ آن حالت ترس را که در عکسهایش دیده میشود، ندارد. شاید برای اینکه بنظر خسته میرسد و [illegible] خطوط صورتش را پوشانده است. یا شاید یک نارضایتی اسرار آمیز؟

تقریبا میشود با یک [illegible] به ریش سفید نرم و [illegible] او نگریست. حالت انسانی را دارد که با قدرت باوسوسه های نفسانی در مبارزه است. با چشمان دقیق که در آنها ایمان کاملش بدون کمترین شکی پیداست. نگاهش همواره پائین روی انگشتانش دوخته شده و افتخار یک نگاه مستقیم را هم بمن نمیدهد. و فقط یکدفعه بمن نگاه کرد.

L'Iran insurgé
ایران عصیانگر

به قلم پل بالتا (مفسر لوموند) و کلودین رولو

بعلت تراکم خبر دنباله پاورقی در شماره آینده

هند یك سفیر ایرانی الاصل وشیعی مذهب بایران میفرستد

اکبر خلیلی سفیر ایرانی الاصل و شیعی مذهب هندوستان که اخیرا از طرف دولت هند بسمت سفارت آن کشور در تهران برگزیده شده است تا اوایل ماه آینده مستقیما به ایران می‌آید.

ملندرسینگ وابسته مطبوعاتی سفارت هند در تهران که این مطلب را در یک تماس تلفنی با خبرنگار دیپلماتیک اطلاعات درمیان نهاده بود افزود سفیرفعلی هندوستان در ایران که کمتر ازیکسال است عهده‌دار پست سفارت هند در تهران بوده است جایگزین سفیر آن کشور در ژاپن که بازنشسته شده است میگردد.

اکبر خلیلی ایرانی‌الاصل اهل مدرس است که تعدادی از بستگان وی دارای پست های حساس در سه کشور هند، پاکستان و بنگلادش در شبه قاره هند هستند. وی که پیش از انتصاب به این سمت رئیس اداره پروتکل وزارت امورخارجه هند بوده است تاکنون در مقام های رسمی بازرگانی به ایران سفر کرده است.